

دعای عرفه و سبک زندگی اعتقادی

حجه الاسلام سید محمدرضا علاءالدین^۱

محمدجواد صفا^۲

نجمه السادات علاءالدین^۳

۴۱

چکیده:

سبک زندگی اعتقادی، مؤمن موحد متأثر از روحیه ابراز نیاز و دعا به محضر پروردگار است بدون شک دعا و به خصوص دعای عرفه تأثیرات مهمی در سبک زندگی اعتقادی دارد. اثرات معرفتی دعای عرفه در تغییر و تحول زندگی فردی و اجتماعی موجب می‌شود. مؤمن موحد ارتباط و ویژه‌ای با آن برقرار سازد. این پژوهش به دعای عرفه به‌مثابه کلاسی برای تربیت اعتقادی به مریبگری امام حسین (ع) پرداخته است که در این کلاس، متریبان با بازگشت به فطرت به تربیت توحیدی دست‌یافته و سبک زندگی اعتقادی آن‌ها شکل می‌گیرد. در این سبک زندگی، معرفه الله، جان‌مایه حرکت متربی است و لازمه معرفه الله، معرفه النفس است و نتیجه این دو عبودیت و بندگی خالصانه خدا است در این پژوهش بر اساس متن دعای عرفه به لوازم عبودیت همچون توفیق الهی، یادآوری نعمت‌ها و نیل به تقوا نیز پرداخته شده است. این پژوهش پیگیر بررسی تحلیلی نقش و جایگاه دعای عرفه در سبک زندگی اعتقادی است.

کلیدواژه: امام حسین، دعا، دعای عرفه، سبک زندگی اعتقادی

۱ - عضو هیئت علمی موسسه قرآن پژوهان کوثر.

۲-دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۳-دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ ارائه مقاله: اردیبهشت ۹۹ تاریخ داوری: تیر ۹۹ تاریخ انتشار: مرداد ۹۹

۱. بیان مساله

قرآن، کمال حیات آدمی را بندگی و عبودیت خدا بیان کرده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) تربیت، فرایند و جریانی منظم و مستمر در جهت پرورش و شکوفا ساختن استعدادهای افراد به سوی هدف‌های کلی و غایی است (رئیزی: ۱۳۸۰، ص ۸) برای رسیدن به کمال و غایت مبتنی بر هدفمندی خلقت انسان. خداوند سرشت انسان را مبتنی بر فطرت خداجویی قرار داده است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.» (روم: ۳۰) نتیجه اینکه زندگی عرصه و مسیر حرکت از آن سرشت و شکوفایی و دستیابی به چنان هدف متعالی است و «انسان در زندگی، وظیفه ای جز پیمودن راه نزدیکی به خداوند و پیشه کردن بندگی و تواضع در مقابل خدا ندارد. انسان باید در جایگاه نیاز بایستد و علامت بندگی را در خود آشکار سازد؛ به پروردگار عزت روی کند و متوجه ساحت بزرگی و عظمت او شود» (ملکی تبریزی، ۱۳۷۵: ۲۰) امام حسین (ع) با طرح آموزه‌های اعتقادی در دعای عرفه، انسان گناهکار و ناسپاس را به معرفت حق شناسی وارد می‌کند تا شکر نعمت‌های خداوند که عبارت است از ایمان، عمل صالح و اخلاق حسنه به جای آورد. امام حسین (ع) در دعای عرفه به دنبال ثبوت باورها و متخلق کردن به رفتارهای اعتقادی و انجام عمل صالح است. و دعای عرفه سبک چگونه فکر کردن توحیدی و معتقدانه زندگی کردن را آموزش می‌دهد. تاکنون کتب و مقالات فراوانی در رابطه با «دعای عرفه» و «سبک زندگی» به نگارش درآمده است ولی هیچ کدام به بررسی تحلیلی نقش و جایگاه دعای عرفه در سبک زندگی اعتقادی و کارکردهای آن در تربیت اعتقادی نپرداخته‌اند. حال آنکه مطالعه دعای عرفه و نقش آن در سبک زندگی اعتقادی می‌تواند نکات تازه‌ای را آشکار کند و مراحل نهادینه‌سازی مفاهیم و آموزه‌های دعای عرفه در تحقق عملی «سبک زندگی اعتقادی» را مشخص سازد.

۱-۱. اهمیت تحقیق

تفسیر و تحلیل قرآنی "نقش و جایگاه دعای عرفه در سبک زندگی اعتقادی" موجب پدید آری یافته‌های جدیدی در فهم این دعا می‌شود. در بررسی تحلیلی این دعا با رویکرد به سبک زندگی اعتقادی از یک سو لحظه به لحظه سیره تعلیم و تربیت امام حسین (ع) به عنوان مربی در تأسیس، تلاوت و تکرار تربیتی دعای عرفه باهدف ایجاد تغییر و تحول اعتقادی یا رشد و پیشرفت ایمانی متریان رصد می‌شود و از سویی دیگر



کیفیت شکل‌گیری و تحقق دعای عرفه و کارکردهای آن در تربیت اعتقادی ترسیم می‌شود. وجه نوآوری پژوهش حاضر تبیین نوآمد شیوه تربیتی امام حسین (ع) در ارائه و تکرار هدفمند این دعا در طول بیست و پنج سال است. تکرار این دعا در طول بیست و پنج سال برای تربیت اعتقادی امت رسول‌الله (ص) و شکل‌دهی مجدد به سبک زندگی اعتقادی قرآن است.

۲. مفاهیم کلیدی تحقیق

الف. امام حسین (ع)

امام حسین (ع) به عنوان الگوی کمال عبودیت در آینه کلام وحی و عضو اصحاب کساء (علیهم السلام) به عنوان تالی، مفسر، ترجمان عملی زلال وحی، بهره‌مند از علم الهی، هدایتگر و منادی تربیت ربّانی می‌باشد. کلام و اشارات، خطبه‌های هدایتگرانه، سخنان و جملات حکیمانه و دعا و مناجات حضرت سید الشهداء (ع) سرشار از روح پیام قرآن و نقل کلام وحی و الهام‌بخش سیره و سنت رسول‌الله (ص) و امیر المومنین علی (ع) و در بردارنده رمز و راز هستی و زندگی جاوید و حقیقت بندگی و خداپرستی است. (صدوق: ۱۳۸۴، ص ۹۵)، نقش الگویی و هدایتگر امام حسین (ع)، مبرهن و متیقن و ذخایر علمی و معنوی ایشان، جایگاه اساسی دریافت دستورالعمل‌های عملی فرایند تربیت دینی است؛ چراکه به گواهی قرآن و تاریخ، رسول‌الله (ص) و عترت طاهرین (ع)، بزرگ‌ترین و موفق‌ترین مربیان هستند که بررسی راه و روش تربیتی ایشان می‌تواند راهگشا باشد (داودی: ۱۳۷۸، ص ۱۸) و این راه و روش در سیره ایشان تبلور یافته است. دعای عرفه از زیباترین ابتکارات علمی تربیتی امام حسین (ع) است که تمام فرازهای دعا همانند دانه‌های مروارید در یک نخ تسبیح است و تمام آموزه‌های اعتقادی را به یکدیگر ارتباط می‌دهد. فیض کاشانی معتقد است «امام حسین (ع) ۲۵ سال پیاده از مدینه تا خانه خدا به همراه برادرشان امام حسن (ع) مشرف به حج شده و دعای عرفه را در صحرای عرفات در دامن جبل الرحمه و در جمع اهل بیت و زائران خانه خدا برای خود و هم برای تعلیم به امت قرائت می‌کردند.» تکرار این دعا در طول بیست و پنج سال برای تربیت اعتقادی امت رسول‌الله (ص) بوده است. امام حسین (ع) در کلاس دعای عرفه به تعلیم و تربیت متریان می‌پردازد و نیاز و میل باطنی متریان به خداپرستی را مبنای تربیت قرار می‌دهد «مقرا بأنک ربی.» به این معنا که «اقرار می‌کنم که تو پروردگار و رب من هستی.» پس از القاء، توحید در ربوبیت، به القاء توحید در استعانت می‌پردازد



«وَإِنَّمَا اسْتَغْنَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ» به این معنا که «عهد‌دار امور ما باش، که ما را کفایت‌کننده‌ای جز تو نیست و برای ما پروردگاری جز تو وجود ندارد.» این نوع بیان در دعای عرفه نشان‌دهنده آن است که یک معرفت عمیق و اساسی نسبت به خالق هستی در ذهن و اندیشه امام حسین (ع) وجود دارد که گرایش به خدا را به عنوان مبدأ و اصل دعا قرار داده است. امام حسین (ع) می‌خواهد انسان گم‌شده در هیاهوی دنیا را به خود بیاورد و به او یادآوری کند که چرا پروردگار او را آفریده و پرورده و چه هدفی از خلقت او داشته است تا از این طریق سبک زندگی اعتقادی را که منجر به هدایت و سعادت دنیا و آخرت می‌شود را به او آموزش دهد.

ب. دعا

دعا حقیقتی است که پروردگار در قرآن به آن توصیه کرده است و از بندگان خود خواسته است که تا آخرین لحظات زندگی به آن پردازند. تمام انبیاء، اهل دعا بوده‌اند و قرآن ادعیه آن‌ها را ذکر کرده است به‌طور نمونه حضرت ابراهیم (ع) از پروردگار درخواست کرده است «که خود، اهل بیت و مردم در مدار عبادت قرار گیرند، از نعمت‌های دنیا و آخرت بهره‌مند شوند و از عمل صالح، اخلاق حسنه و ایمان راسخ نصیب داشته باشند» (سوره شعراء: آیات ۳۷، ۶۹، ۸۴، ۸۵، ۸۷، صافات: ۸۳، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۲، ابراهیم: ۳۵، ۳۷، ۴۰)، دعا در حقیقت اعلام نیازهای انسان به پروردگار است. خداوند از همه‌ی نیازها آگاهی دارد ولی توصیه کرده تا بندگانش این نیازها را با زبانشان اعلام کنند به همین دلیل در بعضی از روایات آمده خدا صدای بندگانش را دوست دارد و کسی که نیازهای خودش را از پروردگار درخواست نکند و به زبان جاری نکند و با خداوند سخن نگوید این دلیل بر کبر روحی اوست. دلیل بر این است که فرد برای خود شأن، استقلال و جایگاهی قائل است و این نوع تکبر که تکبر انسان در برابر پروردگار است انسان را در قیامت دچار عذاب می‌کند «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر: ۶۰) زمانی که انسان با دعا به درگاه خدا ناله کند، خداوند ضمانت کرده که جواب او را می‌دهد و مشکلاتش را حل می‌کند. دعا راهی مستقیم برای برقراری رابطه بین انسان و خداوند است. راهی که از عمیق‌ترین لایه‌های درونی انسان آغاز و به بلندترین جایگاه‌های وجودی منتهی می‌شود و به همین خاطر همواره جزء اساسی‌ترین نیازهای هر انسان، است. شکل، عمق، جهت، محتوا، زمان، مکان و شرایط دعاکننده و دعا تأثیر فراوانی در تربیت، زندگی و پویایی حیات فرد و



جامعه دارد. دعا آرامش‌بخش دل‌هاست و روح را از حیرت و یأس بیرون می‌آورد و به حرکت درمی‌آورد. به انسان انبساط و شادی درونی می‌بخشد و روح ایمان را در انسان زنده نگه می‌دارد؛ ارتباطش را با خدای خود مستحکم و از دیگران بی‌نیاز می‌کند. دعا به تعبیر رسول‌الله (ص) مغز عبادت است و به همین دلیل آثار تربیتی بسیاری برای انسان دارد. دعا از مهم‌ترین راهکارها برای حل مشکلات و برطرف کردن بحران‌های روحی و جسمی انسان‌ها است. دعا تأثیر به‌سزایی در ایجاد حرکت در جامعه و تلاش برای رسیدن به نقطه بهتر از لحاظ مادی و معنوی دارد. دعا و نیایش حرکت‌دهنده انسان‌ها در همه ابعاد تربیتی زندگی بوده است. در مکتب شیعه دعا زبان ویژه‌ای پیدا می‌کند. در حقیقت زبان دعا در رتبه وجودی انسان شکل می‌گیرد و ما نهایت شکوه و نیاز و حلاوت و عشق و محبت را در دعا‌های ائمه اطهار، این انسان‌های کامل می‌یابیم که بر اسرار نهفته در عالی‌ترین مقام وجود و امکان وصول بر آن اشاره می‌کند. صحیفه سجادیه یکی از منابع مهم ادعیه شیعه و یک مکتب کامل انسان‌سازی است. امام سجاد در قالب زیباترین تعبیرات و فصیح‌ترین عبارات راهی برای صعود و مشاهده عالی‌ترین جلوه‌های توحید و کمال انسانیت را بر روی بشر گشوده‌اند. به تعبیر ایشان دعا در واقع چیزی جز عبادت نیست. دعا و نیایش از زیباترین واقعیات عالم انسانی است و صرف‌نظر از بحث استجابت به‌تتهایی برای انسان کشش و جاذبه زیادی دارد و او را از همه تعلقات جدا و به خالق بی‌همتای خود متصل می‌کند. ادعیه از جمله دعای عرفه بهترین و سریع‌ترین مسیر را برای رسیدن انسان به رشد و کمال نشان می‌دهند. با بررسی در محتوای دعای عرفه و با در نظر گرفتن شاخص‌های فرهنگی و تمدنی به این نتیجه می‌رسیم که دعا که عنصری زبانی است، با وجود داشتن ماهیت فرهنگی کارکردی تمدن‌ساز دارد.

ج. دعای عرفه

دعای عرفه، از معجزات فکری امام حسین (ع) است و که در سابق و لاحق حیات امام حسین (ع) چنین متنی انشاء نشده و وجود ندارد. دعای عرفه خودشناسی، خداشناسی و ارتباط انسان با خدا را به صورت یک سلسله منظم بیان داشته است. آموزه‌های اعتقادی دعای عرفه «آشنایی با توحید در خالقیت و اسرار خلقت انسان، نگرش اعتقادی، رفتارهای اعتقادی، عمل صالح و پرهیز دهی نسبت به رفتارهای مشرکانه است. قاری با تدبیر این دعا به وسیله متن بر انحرافات معنوی، اخلاقی و عملی واقف می‌شود و در صدد دفع و رفع آن برمی‌آید. فرازهایی از دعای عرفه شناخت خلقت ظاهر انسان و مابقی دعا مربوط به عقل، روح، دنیا، آخرت، دین و اخلاق انسان است. امام



حسین (ع) در دعای عرفه به مسأله خلقت انسان توجه و قلب انسان را متوجه خالق یکتا کرده و به تبیین توحید در خالقیت پرداخته است. و لطف، احسان، رزق و عنایات خداوند را برای متریبان بازتعریف کرده است و آنگاه به ناسپاسی متریبان آلوده به گناه و انحراف پرداخته است. امام حسین (ع) با طرح آموزه‌های اعتقادی در دعای عرفه، انسان گناهکار و ناسپاس را به معرفت حق شناسی وارد می‌کند تا شکر نعمت‌های خداوند که عبارت است از ایمان، عمل صالح و اخلاق حسنه به جای آورد. امام حسین (ع) در دعای عرفه به دنبال ثبوت باورها و متخلق کردن به رفتارهای اعتقادی و انجام عمل صالح است. اثر وضعی تدبیر در امهات و عمق معارف دعا، تقویت و ارتقاء ایمان، اعتقاد، عمل و معرفت مؤمن را در پی خواهد داشت. قاریان متدبیر در متن دعا، اهل تحول و تغییر در ظاهر و باطن می‌شوند و خود را از معاصی تطهیر کرده و به میزان بهره‌مندی از دعا، معنویت کسب می‌کنند، سالکانی که از اول ذیقعه چهارم خودسازی و تهذیب را در برنامه کار قرار می‌دهند. حال و برداشت معنوی آن‌ها در دعای عرفه به گونه دیگر خواهد بود وقتی مؤمن در چهل روز به گناه "نه" بگوید در تصرف خدا قرار خواهند گرفت. هر جمله دعای عرفه می‌تواند در قلب و جان انسان ظهور و نفوذ کند و کدورت‌ها را برطرف و نیرویی برای حرکت انسان به سوی رضوان الهی وارد کند. دعای عرفه سبک قرآن را در ارائه آموزه‌های اعتقادی و تربیت اعتقادی و شکل‌دهی زندگی اعتقادی برای مردم در پیش گرفته است و یک کلاس زیبایی جامع برای شناخت خداوند به معلمی و استادی امام حسین (ع) است.

بخش اول دعا در ارتباط با «خداشناسی» است یعنی پی بردن به مؤثر از اثر و معلول از علت. فرازهای بخش اول دعا به خداشناسی و راهنمایی به معرفت پروردگار اختصاص دارد و توحید در ربوبیت و توحید در خالقیت مطرح شده است.

بخش دوم دعا مربوط به «انسان‌شناسی» و تشریح بدن انسان است. امام حسین (ع) در یک کشوری که هیچ مدرسه، دانشگاه و میکروسکوپی نبوده است، کلیات خلقت بدن انسان را بیان می‌کند. ایشان در مورد رگ، عصب، منخ، قلب و پرده‌های قلب، گوش و چشم می‌گوید که هر محققى بخواهد تفصیل آن‌ها را مطالعه کند باید در کتاب‌های مهمی مانند فیزیولوژی یا آفرینش انسان به دنبال آن بگردد؛ در آن صورت پی خواهد برد که امام حسین (ع) کلیات بدن را چقدر زیبا، صحیح و درست بیان کرده است. بخش سوم دعا «منعم‌شناسی» است. امام حسین (ع) بایان نعمت‌های پروردگار مهربان و ذکر الطاف، عنایات، فضل، احسان، نعمت‌ها و محبت‌های خداوند که به انسان از رحم مادر تا وضع فعلی انسان در هر سن و سالی ارزانی داشته، مؤمنان را به

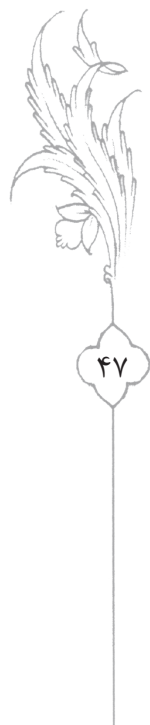
شکرگزاری دعوت می‌کند. پس از آن امام حسین (ع) با مقایسه یک گنه‌کار در دوره عمر با مؤمن صالح زمینه را برای تغییر و اصلاح، توبه و انابه گنه‌کاران فراهم کرده و آن‌ها را نسبت به عبادت و بندگی خدا و شکرگزاری به درگاه الهی دعوت می‌کند

بخش چهارم دعا «دشمن شناسی و دوست شناسی» است. انسان با غفلت از پروردگار و با جهل به معارف الهی مرتکب گناه و معصیت می‌شود امام حسین (ع) در دعا مطرح می‌کنند که «اگر انسان گناهکار موفق به توبه واقعی و پاک‌سازی وجود خود از گناه نشود، در زمره تیره‌بختان قرار خواهد گرفت» بخش دیگری از دعا مربوط به اهمیت و ارزش روز عرفه و شب و روز عید قربان است و بخشی هم درخواست‌های بسیار مثبت و متین از وجود مقدس پروردگار عالم می‌باشد.

بخش آخر دعا «وصل شناسی» است. یک مناجات سوزنده، صد در صد قلبی و عرفانی می‌باشد که اگر انسان همان یک قطعه را بفهمد، عاشق پروردگار مهربان عالم می‌شود. عشق در وجود یک انسان عاشق مانند نیرویی است که او را به سوی معشوق حرکت می‌دهد. البته مرکب حرکت دهنده به سوی معشوق «وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» عمل به دستورات خداوند، پیامبر و ائمه طاهرین است. در حقیقت خود عمل مرکز، انجام دستورات خداوند، نیروی حرکت دهنده و مقصد، پروردگار مهربان عالم است.

د. سبک زندگی اعتقادی

سبک زندگی اعتقادی از زیرمجموعه‌های سبک زندگی اسلامی است که به صورت تخصصی نقش عقیده (تفکر و رفتار اعتقادی) را تبیین می‌کند، اگر جایگاه عقیده به خوبی بررسی، تجزیه و تحلیل شود متریان می‌توانند زندگی را بر مبنای ارزش‌های اسلامی که ضامن رستگاری دنیوی و اخروی است بسازند، سبک زندگی اعتقادی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازها و انتظارات باشد، به شرط آنکه اعتقادات آن درست باشد و از سرچشمه‌ای زلال قرآن و عترت نشأت گرفته باشد. زندگی اعتقادی قرائن و شرایطی دارد که بدون داشتن و رعایت آن حیات معنوی مورد خواست دین به دست نمی‌آید، از جمله این شرایط «روحیه دعا» است که بر سراسر حیات مؤمن موحد تأثیرات شگرفی می‌گذارد. «سبک زندگی اعتقادی، مؤمن موحد متأثر از روحیه ابراز نیاز و دعا به محضر پروردگار است بدون شک دعا از جمله دعای عرفه تأثیرات مهمی در مسیر زندگی دینی دارد. اینکه مؤمن موحد بداند که دعا و دعای عرفه اثرات فراوانی بر زندگی فردی و اجتماعی او می‌گذارد و





وضعیت زندگی او را به طور کلی دگرگون می‌سازد ارتباط ویژه‌ای با آن برقرار می‌سازد. قرآن، ارزش و عظمت «زندگی اعتقادی» را چنان می‌داند که «بود» آن «حیات و هستی» است و «نبود» آن، «مرگ و نیستی» واقعی است «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیْکُمْ» (انفال: ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و رسول او شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات بخشند، آنان را اجابت کنید تا به حیات و هستی ابدی و سعادت همیشگی دست یابید. فرهنگ قرآنی به ارتفاع زندگی توجه دارد، و سبک زندگی اعتقادی ضمن این که حرکت‌های افقی دارد یک جهت ارتفاعی نیز دارد. و دعا نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد سبک زندگی اعتقادی دارد. دعای عرفه سبک زندگی اعتقادی را نه در جهت‌های افقی بلکه در جهت‌های ارتفاعی اوج می‌دهد.

دعای عرفه کلاس تربیت اعتقادی

الف. بازگشت به فطرت

دعای عرفه نوعی بازگشت به فطرت است، بنابراین کسانی که دعای عرفه را می‌خوانند آن را مطابق فطرت خود می‌یابند. انسان‌ها به صورت فطری دنبال کمال هستند و دعای عرفه به دنبال کمال انسان است. دعا تنها سرمایه آدمی برای جلب رضایت و غفران خداوند، اساس بندگی و شاخص عبودیت است. از یک سو برای دستیابی به هدف آفرینش، باید شاخص استکبار؛ یعنی ترک دعا را رها کنند و به شاخص عبودیت؛ یعنی دعا روی آورند. دعا و دعای عرفه موجب تغییر و تحول جمع کثیری از انسان‌ها و نگاه آن‌ها به آسمان و طلب هدایت و نجات از خداوند شده و سبب مقابله با فساد و فحشاء و انواع سوء رفتار و رفع گرفتاری‌ها، ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها و مشکلات جامعه شده است و زیرساخت‌های لازم برای تحولی همه‌جانبه و یکپارچه را برای ایجاد جامعه توحیدی فراهم کرده است. قرآن ناطق در دعای عرفه پس از اشاره به هدف آفرینش و فطرت انسان و دورنمای هدف والای کمال زندگی و مسیر حرکت متریان مؤمن، یعنی رسیدن به خدا به ذکر لطف و هدایت ربوبی در ارسال راهنمایان و مربیان هدایتگر می‌پردازد که متضمن صحت و سلامت دستیابی به هدفمندی خلقت که عبودیت و بندگی خدا است می‌باشند (انعام: ۱۶۱)، قرآن، رسولان الهی را راهنمایان هدایتگر و رسول خاتم (ص) را «اسوه حسنه» و الگوی کامل معرفی کرده است «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» قطعاً برای شما در نگرش و رفتار

رسول الله (ص) سرمشقی نیکوست؛ برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد و ذاکر به ذکر الله است. (احزاب: ۲۱). از دیگر سو برای دستیابی به هدف آفرینش و سعادت بشر، برنامه و مسیر حرکت در پرتو تلاش و عمل صالح، مبتنی بر درک حقیقت بندگی و شناخت درست دین، ضروری است و صرفاً باید از جایگاه ربانی و آستان ربوبی حضرت احدیت، طلب و دریافت شود.

ب. تربیت انسان موحد

از زیباترین و شیرین‌ترین دعاها و مناجات دعای عرفه امام حسین (ع) است. آن حضرت در این دعای پرمحتوا و شیوا عالی‌ترین مضامین توحیدی را در قالب کلماتی دل‌نشین بیان کرده است توحید الهی در بخش‌های مختلف این دعا موج می‌زند. دعای عرفه در بردارنده منظومه جامعی از حکمت و معرفت به ویژه توحید عبادی است که «با دقت در سیاق کلام این دعای شریف می‌توان دریافت که بیانات امام (ع) در چه سطح والای توحیدی است و مهم این است که اظهار این بیانات همه در مراتب دقیق و لطیف نگرشی و رفتاری است به گونه‌ای که توجه به آن‌ها سالکان الی الله و طالبان تقرب و وصال حق را به سر منزل مقصود می‌رساند (زمردیان: ۱۳۸۷، ص ۴). دعای عرفه گام به گام، عرفان به توحید را الهام می‌کند تا متربی به تربیت اعتقادی برسد. تربیت اعتقادی، آرمانی جز رسیدن به خدا و مقام تقرب به درگاه ربوبی ندارد. اوج تربیت اعتقادی کشف حقائق عالم و آنچه در آن است؛ یعنی راه‌یابی به ذات و صفات خداوند و طلب معرفت به او از خود او. عرفان حقیقی یعنی کامل‌ترین معارف ربوبی که با عقل و شهود انسان‌های عادی قابل درک نیست. امام حسین (ع) در دعای عرفه عرضه می‌دارد: «یا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ هُوَ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ» تربیت در قرآن، دایره مدار توحید است و در بیان دعای عرفه امام حسین (ع) معرفت به ذات باری تعالی و نگرش توحیدی است. توحید عبادی صراط مستقیم الهی است که انسان از راه آن متألّه می‌شود و صبغه و رنگ الهی به خود می‌گیرد؛ بلکه در حد خدایی شدن پیش می‌رود و در این مسیر به منزلت «قاب قوسین او ادنی» می‌رسد که نزدیک‌تر از این شدن برای هیچ موجودی متصور نیست به گونه‌ای که میان خدا و انسان متألّه، جز پرده عبودیت و الوهیت نمی‌ماند.



ج. ترسیم سبک زندگی اعتقادی

شهید مطهری معتقد است دعاهای اسلامی از جمله مناجات شعبانیه، دعای کمیل، دعاهای پانزده گانه امام سجاد (ع) و دعای عرفه، که قلّه‌های بلند عرفان و معنویت و سلوک و شهود را با چشم اندازی گسترده در معرض دید اصحاب عقل و دل نهاده‌اند به عنوان منابع گسترده و دست اول در سبک زندگی اعتقادی به حساب می‌آیند. تدبر در مفاهیم و مبانی اعتقادی و عرفانی دعای عرفه، می‌تواند دستمایه ارزشمندی برای دریافت و استخراج مراحل سیر و سلوک بندگی و دستورالعمل اجرایی سبک زندگی به دست دهد.

۱. معرفه الله، جانمایه سبک زندگی اعتقادی

بندگی خدا در قدم اول بر معرفت و شناخت حقیقی پروردگار استوار است؛ از این رو در روایت آمده است «کسی که گناه می‌کند، خدا را به مفهوم واقعی نمی‌شناسد» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۱۷۴). از اساسی‌ترین ارکان بروز و ظهور و تحقق روح بندگی در انسان، همواره خدا را حاضر و ناظر و حامی و پشتیبان دانستن است که این مهم در نتیجه معرفت میسر است و در پرتو آن بنده به عشق و حب الهی نائل می‌آید. ملا احمد نراقی در این باره در باب اسباب محبت از معرفت نام می‌برد و می‌گوید: «محبت چیزی حاصل نمی‌شود مگر به سبب ملایمت آن چیز با طبع و معرفت آن و اتحاد میان محب و محبوب» و در اقسام محبت، چنین آورده است: «محبت آدمی به غیر به جهت احسان و نفعی که از او عاید می‌شود، چون انسان بنده احسان است» (نراقی: ۱۳۸۹، ص ۶۰۰) و امام حسین (ع) در دعای عرفه، احسان پروردگار را به بنده با اشارت به الطاف خفی و جلی، جزء به جزء برمی‌شمارد و آدمی را با معرفت بدان به عشق الهی رهنمون و نائل می‌سازد؛ «پس بالاترین اقسام محبت، محبتی است که خداوند عالم نسبت به بندگان خود دارد و بعد از آن محبتی است که اهل معرفت از بندگان او نسبت به آن جناب دارند» (نراقی: ۱۳۸۹، ص ۶۰۰) و این معرفت به ذات و صفات خداوند است که موجب محبت و عشق الهی می‌گردد و صدر و ذیل و ابتدا و انتها و جان کلام ادبیات و تعبیرات دعای عرفه بدان اشعار دارد و روح و جان آدمی را بدان رهنمون می‌سازد.

با نگاهی اجمالی به زوایای دعای عرفه از سویی به پیروی از قرآن، انسان را به تدبر و تفکر در اسرار و جزئیات هستی و وجود آدمی در راستای خداشناسی «قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار» (رعد: ۱۶)، «و الحمد لله الذی خلق السموات والارض و جعل الظلمات و النور» (انعام: ۱) فرامی‌خواند و هم چنین



بر خودشناسی «من عرف نفسه فقد عرف ربه» به عنوان مقدمه خدانشناسی رهنمون می‌سازد و از سوی دیگر با ترسیم زیبایی رحمت و عنایت الهی به سایر موجودات بر اساس هدایت تکوینی و به ویژه نقش ربوبیتش در خلقت و هدایت انسان با جلب احساسات و عواطف، بندگان را به خضوع و خشوع به آستان حضرت ذوالجلال فرامی‌خواند. بندگی، پیشینه‌ای در اراده حضرت احدیت بر ایجاد آفرینش دارد. آنگاه که از ازل، فقط آن واجب‌الوجود بود و اراده تجلی و معرفتش فرمود. حی سبحان در پاسخ و گفتگوی با پیامبرش آن دم که «حضرت داود به خدا عرض کرد: پروردگارا برای چه موجودات را خلق کردی؟ فرمود: ای داود من گنج پنهانی بودم؛ دوست داشتم شناخته شوم؛ خلق را آفریدم تا شناخته شوم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۴: ۱۹۸ و ۳۴۴) و از وقتی خداوند اراده کرد بشر را بیافریند، ارتباطش با خلق آغاز شد و آهنگ بندگی در عرش و ملکوت در نهاد عالم هستی ساز و پراواز شد؛ پس «توحید» که رسیدن به آن، غایت و نهایت و اوج و عروج بندگی است، جایگاه محوری‌ترین آموزه قرآنی و اسلامی به خود گرفت و «عشق و حب محبوب»، شهد شیرین این سیر از ایجاد آفرینش تا افشای علو مقام و منصب و تاج توحید و معرفت گردید. بدین‌سان، بندگی و توحید و خدانشناسی همزاد آفرینش بشر و ذرات عالم هستی شد. اذعان به عظمت و شوکت و جلال پروردگار و احاطه و سلطه تام او بر جهان هستی و از جمله سرپای وجود و زندگی بنده در بیان مناجات عرفه آشکارا به عنوان نهادی از ارکان مکتب بندگی عرفانی متصوّر است «یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: ای صاحب جلالت و بزرگواری»، «اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ وَ قَدَرَ فَقَهَرَ: خدایا ای کسی که مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر» «وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ: پروردگاری غیر از تو برای ما نیست. تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه دارد و حکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است» «وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: و او بر هر چیز توانا است.»

تفکر در آثار الهی در راستای شناخت خداوند به عنوان تکلیف بندگی آشکارا به دست می‌آید که به عنوان مقدمه سیر تربیت اعتقادی صورت می‌یابد؛ چراکه بندگی حقیقی با معرفت پروردگار کمال می‌یابد و این مفهوم از مضمون کلام امام حسین (ع) دریافت می‌شود «الْهِيَ عَلِمْتُ بِأَخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ» خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول اطوار به دست آورده‌ام، «ان مرادک منی ان تتعرف الی فی کل شیء حتی لا اجهلک فی شیء: مقصود تو از من این است که خود را در هر چیزی به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم». «الْهِيَ أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَازِجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ: خدایا



فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان به سوی خود، «و هِدَايَهُ الْإِسْتِبْصَارِ حَتَّىٰ أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا أَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ» و راهنمایی و بینش جویی تا بازگردم به سویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم به سویت از آنها. نظاره جمال و جلال متجلی شده در آثار آفرینش به زیبایی در زوایای مناجات امام از سر شوق و محبت و به عنوان مشق بندگی مورد تأمل است؛ چراکه در آموزه‌های عرفانی، معرفت به محبت و عشق می‌انجامد و این عشق و شوق متأثر از معرفت در پرتو نظاره جمال و جلال لطف قادر متعال به ثمر می‌رسد و اینکه به عنوان مراحل مقدماتی بندگی عرفانی از این تکلیف و جلوه بندگی نام برده می‌شود، دایره بر تعبیر و فرازهای بعدی امام (ع) در دعای عرفه است که در مراتب زندگی اعتقادی حتی این نظاره بر آثار را مانع از مقام متعالی قرب الهی و موجب بعد روحانی و عرفانی می‌دانند. پس از هدایت تدریجی انسان به تفکر و شناخت پدیده‌های آفرینش در بخش‌های عالی دعای عرفه، مرحله عالی معرفه الله جلوه می‌کند که سالک در این سیر تکاملی، نه تنها خود را از توجه به آثار، مستغنی می‌بیند، بلکه آن را مانع از حظ درک شهودی در مقام قرب الهی می‌داند. احساس حضور خداوند از نکات عالی تربیتی است که بنده عارف را به شکر و ذکر و ارتباط عاشقانه و عرفان متعبدانه وای می‌دارد. «إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوَجِّبُ بَعْدَ الْمَزَارِ: خدایا تفکر من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد. در ادامه اشعار به وظیفه نظاره لطف الهی و شکر و ذکر پیوسته و اعتراف به ناتوانی و عجز ادای حق شکر انعام الهی چنین مضامین عرفانی ناب به کام جان می‌نشیند. «يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالٍ بِهَايَهُ فَتَحَقَّقْتُ عَظَمَتَهُ مِنَ الْإِسْتِوَاءِ» ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت و پا برجا شد عظمتش از استواری. «لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُوَدِّي شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ: اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمت‌های تو را به جا آورم، نخواهم توانست جز به لطف خود. «فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدْدًا وَذَكَرًا أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يُبْلَغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ: پس ای معبود من کدام یک از نعمت‌هایت را به شماره درآورم و یاد کنم یا برای کدام یک از عطایات به سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان بدانها رسد.

انسان در هر جایگاه و مقامی باشد از خطا و لغزش مصون نیست. فرقی که افراد نسبت به یکدیگر دارند در نوع خطیئه‌ها می‌باشد. بسا کارها که نسبت به بعضی از افراد، طاعت و عبادت است همان کار نسبت

به افراد کامل تر، خطا و گناه است «حسنات الابرار سیئات المقربین» (مجلسی، ج ۱۱) چیزی که نسبت به یک شخص توحید است نسبت به شخص دیگر شرک است از این رو بزرگان و پاکان بیشتر از دیگران استغفار می کردند. در نتیجه تأمل در آیات و آثار آفرینش پروردگار و نظاره الطاف او بر بنده، نوعی احساس شرم از کوتاهی ادای حق شکر و نقصان حق بندگی، سرپای وجود و روح و جان آدمی را در برمی گیرد که همواره زبان به استغفار و توبه و انابه گشوده دارد و هراندازه در مقام کمال بندگی درآید با احساس در جوار قرب الهی نیز به عنوان بنده تائب و مستغفر مستغرق در بحر عنایت حق سر برآستان درگاه رحمت و مغفرت او می ساید.

امام علی (ع) در مطلع دعای کمیل، در عباراتی نظیر «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تهتک العِصم، تُنزل النِّقم، تُغیِّر النِّعم» به آثار گناه اشاره دارند و ذکر می کنند «صَبَرْتُ عَلَی عَذَابِك فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَی فِرَاقِك» (قمی: ۱۳۷۹، ص ۱۰۲) این برداشت از مضمون ادبیات دعای کمیل در مناجات عرفه امام حسین (ع) نیز بیان شده است «الهی ما اَقْرَبَ بَکَ مِنِّی وَ اَبْعَدَنی عَنک» خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم. «اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بَی وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی» خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی به سوی نابودی مبر «الهی اِنَّکَ تَعَلَّمْ اَنِّی وَ اِنْ لَمْ تَدِمِ الطَّاعَةَ مِنِّی فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّتُهُ وَ عَزْمًا» خدایا تو می دانی که اگرچه طاعت تو در من به صورت کاری مثبت ادامه ندارد، دوستی و تصمیم بر انجام دادن آن در من ادامه دارد.

۲. معرفه النفس لازمه معرفه الله

امام حسین (ع) در فرازهای دیگر دعا به مصداق «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، با اشاره به اجزای وجود انسان به ارائه الگوی معرفه النفس می پردازد و نیاز جزء جزء وجود انسان و لحظه لحظه حیاتش را در پرتو نیاز مطلق به صانع و خالق و پروردگار بیان می کند. در فرازهای ذیل از نمونه های تشریح جزئیات وجود گرفته تا مجموع حرکات و رفتار طبیعی آدمی در دعای عرفه بیان شده است «عَلَائِقُ مَجَارِی نُورِ بَصْرِی وَ اَسَارِیْرِ صَفْحَهٗ جَبِیْنِی» رشته های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم «وَ حِمَالُهُ اُمُّ رَاسِی» و رشته های رگ قلبم، «وَ حَمَائِلُ حَبْلِ وَ تِیْنِی» و رشته و عصب مغز سرم «وَ اَطْرَافِ اَنَامِلِی» و اطراف سرانگشتانم. در ادامه با فراز ذیل، حتی رفتار و حرکات وجودی را متکی و وابسته مطلق به عنایت و امداد خداوند برمی شمارد «وَ تَوْمِی وَ یَقْطَنِی وَ سِکُونِی وَ حَرَکَاتِی رُکُوعِی وَ سُجُودِی» و خوابم و بیداریم و آرمیدنم و حرکت های رکوع و سجود من.



اعتراف به انعام الهی و بیان مستقیم و صریح رحمت الهی در همین راستا به عنوان تجلیات احساس نیاز در بندگی و عبودیت حق قابل توجه و دریافت است «أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي» این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم «فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي» مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی، آفرینشم را نیکو آراستی. از این دیدگاه، انسان را از مرحله مقدماتی خودشناسی به خداشناسی و بندگی عارفانه رهنمون می‌سازد. این قالب الگوی بی‌بدیل و منحصر به فرد دعای عرفه است که لطف و عنایت الهی را ترسیم می‌کند و سپس بارها در طول دعا، رحمت پیوسته و مستقیمش را یادآور می‌شود.

۳. عبودیت و بندگی، برنامه سبک زندگی اعتقادی

مضامین دعای عرفه «عبودیت» را نهایت اوج تکامل روح انسان و قرب او به خدا می‌داند. عبودیت تسلیم مطلق در برابر ذات پاک پروردگار است. عبادت تنها رکوع و سجود و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت، تسلیم بی‌قید و شرط در برابر کمال مطلق و ذات بی‌مثالی است که از هر عیب و نقصی مبراست. شاخصه‌های بندگی و عبودیت در دعای عرفه به ترتیب عبارت است از اینکه «بنده، تمام نعمت‌ها و محبت‌ها را از خدا دانسته و برای خود مالکیتی در نظر نمی‌گیرد»، «بنده، امورات خود را به مدبر بصیر و هستی‌بخش حکیم تفویض می‌کند»، «تمام مشغولیت بنده منحصر شود به آنچه خداوند او را بدان امر، و یا از آن نهی کرده است» پس بنده حضرت پروردگار کسی است که اطاعت و فرمان‌برداری خداوند، شیرینی او و محبت خدا لذتش باشد؛ نیاز به خدای خود برد و حکایت خویش به او گوید و توکل و اعتماد خود بر او بندد. عبودیت در دیدگاه امام عرفه (ع) بر اساس ادبیات آغازین مناجات، همانا اعتقاد و اعتراف به نیستی سواي حضرت خالق و مالک و پستی و جودی و نیاز مطلق نسبت به عظمت فراگیر مطلق ذات حضرت باری در قدرت و جلالت احدیت است. بنابراین، بندگی عارفانه و حاصل تربیت اعتقادی عرفه با ویژگی اظهار نیاز تام و پیوسته و مطلق تذلل و کمال کرنش در برابر پروردگار و در اطاعت محض و تسلیم تمام عیار معبود و مراد ظهور می‌یابد.

مضامین دعای عرفه به معرفی «عبد سرتاپا نیاز» می‌پردازد. اینکه فقیر مطلق در محضر خالق، مالک و رزاق و مستغنی مطلق سر تسلیم فرود می‌آورد و اراده خود را در تحت اراده و مشیت قاهر حضرت قادر قرار می‌دهد «كَيْفَ يَسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ» چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند به تو است «أَيُّكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ» آیا

اساساً برای ما سوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد؟ بدین سان با این بیان و دیگر اشارات با همین مضمون، هر وجود، و ظهور موجودی را تنها و تنها در پرتو اراده حضرت خالق و مظهر لطف و عنایت او می‌داند و هستی مطلق و کمال وجود بی‌نیاز را تنها در تعریف ذاتش تبیین می‌کند «بِنور وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ» به نور ذات که روشن شد بدان زمین و آسمان‌ها و برطرف شد بدان تاریکی‌ها و اصلاح شد بدان کار اولین و آخرین.

لوازم عبودیت و بندگی خدا

۱. توفیق الهی

امام حسین (ع) در بخش‌های دعا پس از اذعان به نیاز در اجزای وجودی تا واکنش‌های رفتاری طبیعی بیولوژیک، اعتراف به نیاز به الطاف و توفیقات الهی در یافتن مسیر هدایت و سعادت دنیوی و اخروی و ادای عبادات در فرایند بندگی پروردگار می‌کند «هُوَ الْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ» تو آنی که هر کس از بندگان، کردار شایسته‌ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی. امام حسین (ع)، هرگونه دریافت معرفت آمیز از شاهکار آفرینش و توفیق شناخت الهی را در پرتو نظاره و آگاهی بر مخلوقات و کائنات را به امداد و اراده او وابسته و متکی می‌داند «وَ أَيْقُظُنِّي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ» و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده‌های آفرینش.

۲. یاد آوری نعمت‌ها

از مهم‌ترین پیام‌های دعای عرفه موضوع اهمیت نعمت‌های الهی و لزوم شکر نعمت‌های خداوند است. در واقع امام حسین (ع) در طی دعای عرفه، به خصوص نسبت به نعمت‌های پروردگار توجه داشته و در عین حال که بابت نعمت‌ها خداوند را شکر می‌کند، به عجز و ناتوانی در برابر شکر نعمت اشاره دارد. از جمله آنکه بیان کرده «إِن تَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً» به این معنا که من هنوز چیز قابل ذکری نبودم که مرا مورد لطف و نعمت‌های خود قرار دادی. به این ترتیب سابقه لطف الهی و نعمت‌های خدا را بیان می‌کند تا انسان بداند نعمت از قبل از پیدایش او بر او جاری بوده و انسان پیش از پیدایش هم مورد لطف خدای خود قرار داشته است. امام حسین (ع) در دعای عرفه به نعمت سلامتی و کارآمدی اعضاء اشاره کرده است «وَ مَتَّعَنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي



أَلْوَارِثِينَ مَتَى) و من را به اعضايم بهره‌مند کن و گوش و چشمم را دو وارث من گردان.» نعمت ديگر در دنيا رزق و روزي است که در اين باره بيان کرده است «و فيما رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي» و من را در آنچه نصيبم فرمودی برکت ده. کلمه برکت اشاره به دوام و پايداری دارد و امام حسين (ع) در اين عبارت از خداوند می‌خواهد که روزی او را مدام و مستمر کرده تا زوال و نابودی در آن راه نداشته باشد. اين نعمت شامل فرزندان، مال، علم و ثروت خواهد بود که امام حسين (ع) به ما می‌آموزد که از پروردگار دوام و بقای اين نعمت‌ها را بخواهيم. در واقع هر چند که نعمت‌های دنيا برای انسان فراهم باشد اما اگر اين نعمت‌ها دوام نداشته و انسان نگران نابودی و از بين رفتن آن‌ها باشد، لذتی از نعمت دنيا نخواهد برد. دعای عرفه به اين بعد نياز انسان در دنيا توجه دارد و با درخواست پايدار ماندن اين نعمت‌ها از خداوند، در عين حال که نياز به خداپرستی خود را پاسخ گفته، آرامشی از دعا کردن به دست می‌آورد. همچنين نعمت ديگر نصرت و ياری شدن در برابر ظالمان است. چراکه هر انسانی در طول زندگی خود در برابر افراد و نیروهای ظالم و ستمکاری قرار می‌گیرد و نياز دارد که از آن‌ها در امان بماند. امام حسين (ع) به اين نعمت هم دقت داشته و کمال غلبه بر ظلم را از خداوند تقاضا می‌کند «وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِي وَأَقْرَبِ ذَلِكَ عَيْنِي» و من را بر آن که به من ستم روا داشته پيروز فرما، و در رابطه با او انتقام و هدفم را نشانم ده، و چشمم را بدین سبب روشن گردان»

۳. نیل به تقوا

نیل به تقوا از جمله نيازهای اصلی انسان است که در دعای عرفه به آن اشاره شده است. از مبانی اصلی کمال و رشد معنوی رسیدن به سعادت از مسیر پرهیزکاری و تقوا است. تقوا رمزی است که انسان را به عبودیت و بندگی خدا می‌رساند و راه‌های سخت را برای او هموار می‌کند. بر همین اساس است که امام حسين (ع) تقوا را مسیر رسیدن به بندگی خدا عنوان می‌کند «وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ؛ و با پرهیزکاری من را به سعادت برسان» تقاضای تقوا از سوی امام حسين (ع)، انسان عاقل و هشيار را واقف بر این رمز مهم می‌کند تا آن را در زندگی خود به کار گیرد. چراکه تقوا و پرهیزکاری تنها خیر آخرت و سعادت معنوی را به همراه ندارد، بلکه سعادت و آرامش در دنيا هم ره‌آوردی است که از مسیر تقوا به دست خواهد آمد. همان‌گونه که پروردگار در قرآن مطرح کرده است «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُودٍ» (هود: ۱۰۸) امام حسين (ع) در کلاس دعای عرفه، به تربیت انسان می‌پردازد «وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ» پروردگارا مرا با عصیان نسبت به مقامت، بدبخت و شقی نکن.» امام حسين (ع) به متریان

کلاس عرفه تفهیم می‌کند « اگر راه گناه را بروید حتماً به بدبختی و گرفتاری دچار خواهید شد» امام حسین (ع) در کلاس دعای عرفه، درخواست بالاترین درجات را در دنیا و آخرت به زبان متریبان جاری می‌سازد «وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى» معبودا در آخرت و دنیا درجه‌ای برتر برایم قرار ده و اینگونه به نیاز معنوی و کمال جویی انسان از مسیر الهی توجه می‌کند و مسیر رسیدن به آن را از طریق دوری از گناه، کسب رضایت الهی و توجه به تقوا و پرهیزکاری ترسیم می‌کند. امام حسین (ع) در نهایت مشیت و اراده پروردگار را سبب‌ساز قرار گرفتن در بالاترین درجات دنیا و آخرت معرفی می‌کند.

چهارچوب نظام‌مند آیین بندگی و عبودیت

چهارچوب نظام‌مند آیین بندگی و عبودیت در دعای عرفه به ترتیب عبارت‌اند از:

الف. حقیقت بندگی معطوف به هدفمندی خلقت و تأمل در اراده حق تعالی بر آفرینش انسان و نظاره عاشقانه بر شگفتی‌های زوایای وجود آدمی و انعام و الطاف عام و فراگیر منبعث از لطف حضرت پروردگار است.

ب. محبت و عشق عبودیت، رهیافت معرفت الهی و شاخص و معیار حرکت در مدار بندگی حقیقی خداوند است که درجه آن معطوف به میزان رشد و کمال عرفان سالک این وادی است.

ج. اطاعت محض و تسلیم مطلق اوامر و نواهی الهی حلقه مکمل فرایند بندگی است که وجه تمایز بندگان خدا به معنای عام و معیار درجات بندگی آنان است.

د. عشق و محبت به بندگان و مخلوقات حضرت پروردگار مرتبه اوج و فراز بندگی است که آدمی را از قالب پردازش صرف خود در مدار بندگی و اطاعت و عبادت خدا به نظاره مشفقانه و عاشقانه مظاهر آفرینش الهی از سایر موجودات تا انسان هدایت و رهنمون می‌سازد و در راستای خدمت، تا مرز ایثار و جان‌فشانی و از خودگذشتگی در راستای دلدادگی و کمال قرب الهی پیش می‌رود.

ه. آنچه به زندگی هدفمندانه انسان در راستای انجام وظایف انسان نسبت به دین و پروردگارش معنا می‌بخشد تجلی وجه اجتماعی بندگی خداست. در این وجه از بندگی، انسان نسبت به زندگی اجتماعی انسان‌ها و نظام حاکم بر آن احساس مسئولیت می‌کند چراکه در پرتو حاکمیت آیین و مکتب الهی بر شاکله نظام اجتماعی و تدبیر و مشی و سلوک حاکمان دوران، رشد و کمال انسانی و نشو و نما ی بندگی واقعی میسر است.

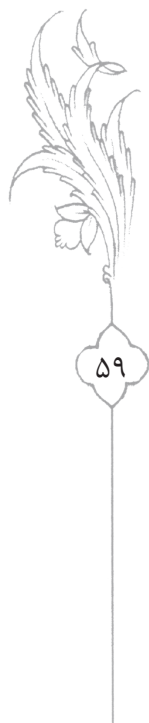
نتیجه

از آنجاکه تربیت در آینه آموزه‌های وحیانی دائر مدار توحید است و توحید، محوری‌ترین آموزه قرآنی و اسلامی است و در میان اقسام توحید، توحید عبادی از جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار و ناظر به هدف آفرینش انسان است در نهاد اندیشه نورانی امام حسین (ع) نیز بر اساس برآیند روح حاکم بر دعای عرفه و دریافت این تحقیق، جان‌مایه تربیت ناب حسینی مبتنی بر شکوفایی فطرت آدمی در افق هدفمندی خلقت وجودی است و این مهم معطوف بر شناخت و معرفت به ذات پروردگار است. پس زندگی سعادت‌مند بشر تنها در مدار این وجه متعالی بندگی معنا و مفهوم می‌یابد. همه لحظات زندگی بشر در دنیا باید به بندگی و عبادت اختصاص داشته باشد و روح و دوام و قوام این بندگی با تکیه بر سخن امام حسین (ع) با معرفت و شناخت مقرون است. به‌واقع حرکت در مسیر صراط مستقیم الهی است که انسان از راه آن متألّه می‌شود و صبغه و رنگ الهی به خود می‌گیرد و آن سان که امام حسین (ع) در دعای «عرفه» تا حد خدایی شدن پیش می‌رود و خود را تمام و کمال در جوار قرب الهی می‌بیند به‌گونه‌ای که ذکر می‌کند «کور باد چشمی که تورا نمی‌بیند» و این گویای مقام و مرتبتی والا در فرایند و مرام‌نامه بندگی است که میان خدا و انسان متألّه جز پرده عبودیت و الوهیت نمی‌ماند. انسان‌ها از ویژگی اختیار برخوردار هستند و با اراده خود می‌توانند در مسیر کمالی و اطاعت گام بردارند و میزان بندگی و عبادت خویش را رقم بزنند و بی‌شک عنصر این امتیاز بهره‌مندی از گوهر اندیشه و جوهر تعقل در راستای شناخت و معرفت خداوند است. بنابراین آگاهی و شناخت انسان نسبت به هدفمندی خلقت و به ویژه آفرینش انسان می‌تواند زمینه و بستر مناسبی برای عبودیت باشد متریان هرگاه از عقل خدادادی خویش بهره و آن را به‌کارگیرند به این مهم آگاهی و شناخت می‌یابند که خداوند یگانه، شایسته عبادت و اطاعت است و هیچ موجود دیگری در هستی این شایستگی را ندارد.

با تأمل و دریافت هدف آفرینش بشر و بعثت پیامبران، که همانا عبادت و بندگی پروردگار است، سیره سالکان تمام و کمال وادی بندگی یعنی اولیای خدا و شاگردان و رهپویان ایشان یعنی دانشمندان راستین همواره در بردارنده این الگوی درخشان زندگی در آینه بندگی است که آنان چون عبدی ذلیل در برابر خالق خویش هستند و لحظه‌ای از عبادت و راز و نیاز و مناجات با معشوق غافل نبوده‌اند. روح عبادت و بندگی بر تمام اعمال آن‌ها حاکم است به طوری که آن‌ها را تابع محض اوامر پروردگار گردانیده و هوای دوست را بر خواسته‌های خویش ترجیح داده‌اند؛ زیرا لازمه بندگی خدا، خالص کردن خود از قید بت‌ها و معبودهای



ظاهری و باطنی است و هر چه انسان خود را از قید هواها و بت‌های نفسانی برهاند به همان میزان توفیق بندگی خدا را می‌یابد. این حقیقت آشکارا در ادبیات هدایتگر و تربیت‌کننده امام حسین (ع) در دعای عرفه مشهود است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، ابو محمد الحسن، تحف العقول. ترجمه مروتی. قم: حبل المتین، ۱۳۰۳
۳. اشرفی، محمد، اسرارالشهاده. قم، نشر طوبای محبت، ۱۳۹۰
۴. بهشتی، سعید، آئین خردپرووری. پژوهشی درنظام تربیت اسلامی برمبنای سخنان امام علی (ع)؛ تهران، دانش و اندیشه معاصر. ۱۳۸۶
۵. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸
۶. رئیسی، زهره، روانشناسی تربیتی، تهران، نشر مانی، ۱۳۸۰
۷. زمردیان، احمد، وصال العارفین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷
۸. شریفی، محمود و دیگران، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ترجمه علی مؤیدی. قم، نشر معروف، ۱۳۸۳
۹. صدوق محمدبن علی بن حسین، خصال. ترجمه محمد باقر کمره ای. تهران، ارمان طوبی، ۱۳۸۴
۱۰. قمی، عباس، مفاتیح الجنان. ترجمه محمد باقر کمره ای. مشهد، به نشر، ۱۳۷۹.
۱۱. کراجی، ابی الفتح محمدابن علی (۱۳۶۹). کنزالفواد. قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۹
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحارالانوار. تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق. تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱
۱۴. ملکی تبریزی، جواد، سلوک عارفان. ترجمه المراقبات فی اعمال السنه، تهران، سایه، ۱۳۷۵
۱۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی ابن ابوزر، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۷۸

